«فرهیختگان» مجموعه «حمله به تایتان‌ها» یکی از نمونه‌های مشهور انیمه را بررسی می‌کند

ژاپنی‌های قرن ۲۱ هنوز افسانه می‌سازند

حمیدرضا ندیری

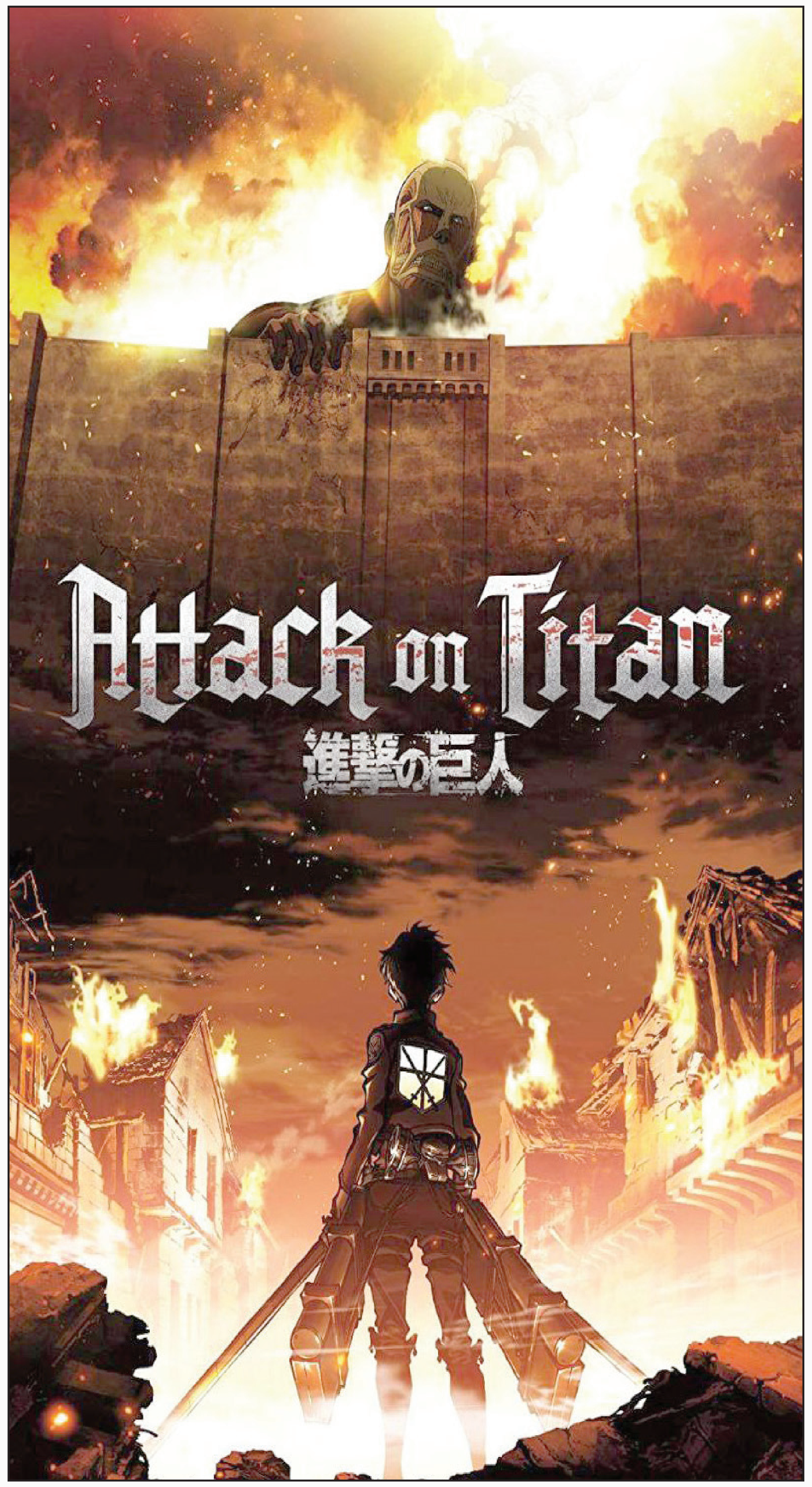

وقتی صحبت از انیمیشن غربی می‌شود، از دو نوع انیمیشن، یکی هنری که بسیاری از اوقات قالب کوتاه دارد و دیگری انیمیشن عامه‌پسند که پیشوای آن کمپانی دیزنی و مقلدان سبکی‌اش در آمریکا هستند، یاد خواهد شد. درکنار آن شاید خیلی از نسل‌ها با انیمیشن‌های ژاپنی که به انیمه معروف هستند هم آشنایی‌هایی داشته باشند؛ به‌خصوص اینکه در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تلویزیون ایران تعداد زیادی از این کارها را پخش می‌کرد و چند نسل از مخاطبان ایرانی با سبک و فضای آن آشنایی دارند؛ از سریال‌های کارتونی مثل فوتبالیست‌ها و میتی کومان گرفته تا بعضی فیلم‌های سینمایی مثل افسانه توشیشان. انیمه‌های ژاپنی پیشوای انیمیشن‌های شرق هستند و روی تولید کارها در چین و کره هم تاثیر گذاشته‌اند. به این سبک از انیمیشن‌سازی که مخصوص ژاپن است، انیمه گفته می‌شود و انیمه‌ها عموما براساس کتاب‌های مصوری تهیه می‌شوند که در ژاپن به آنها عنوان «مانگا» داده شده است. انیمه‌ها با اینکه از یک سبک سابقه‌دار و شناخته‌شده سینمایی پیروی می‌کنند، در سال‌های اخیر تولد مجددی به لحاظ اقبال عمومی داشته‌اند و از این به بعد باید خیلی بیشتر آنها را جدی گرفت. این سبک از انیمیشن‌سازی که در ابتدا به‌خاطر کمبود امکانات مالی، با صرفه‌جویی در فریم‌ها پایه‌گذاری شد، کم‌کم به سبکی مستقل تبدیل شده که از همان محدودیت فریم هم به خلاقیت‌های جدیدی دست پیدا کرده است و ویژگی‌های محتوایی خاصی دارد. حالا در زمانی هستیم که انیمه به یک فرصت استثنایی برای سینما تبدیل شده و بین نسل‌های جدید، علاقه زیادی به آن وجود دارد. منتقدان و سینمایی‌نویسان عادی سینما عادت نداشتند درباره انیمه‌ها بنویسند اما موجی به راه افتاده که به ما می‌گوید از اینجا به بعد باید انیمه‌های ژاپنی را بیشتر جدی بگیریم؛ یک سبک از انیمیشن که درحال نفوذ به سینمای چین و کره‌جنوبی هم هست. انیمه‌های ژاپنی در دو قالب فیلم سینمایی و سریال‌های تلویزیونی تولید می‌شوند که هردو قالب هم هواداران بسیاری دارد و البته خیلی از این هواداران مشترک هستند. برای ورود به بحث انیمه‌های ژاپنی، به‌خصوص سریال‌های روز آن که تلویزیون ایران در سال‌های اخیر بی‌مهری زیادی به آنها نشان داده اما نوجوانان و جوانان ایرانی توسط فضای مجازی علاقه زیادی بهشان پیدا کرده‌اند، می‌توان انیمیشن اتک تایتان‌ها را انتخاب کرد که فصل چهارم آن اخیرا به‌طور کامل منتشر شده و شور فراوانی در فضای مخاطبان جوان‌تر سینما به وجود آورده است.

یک مسیر ۱۱ ساله برای ساخت غول‌های تایتان

انیمه حمله به تایتان‌ها اقتباسی از یک مانگای ژاپنی به همین نام، به نویسندگی و تصویرگری هاجیمه ایسایاما است. شاید این توضیح مختصر لازم باشد که مانگا درحقیقت نوع ژاپنی کمیک یا همان رمان گرافیکی است و اکثر اوقات براساس مانگاهای معروف، انیمیشن هم می‌سازند. انتشار این مانگا به مدت ۱۱ سال از سال ۲۰۰۹ توسط انتشارات کودانشا شروع شد و تا سال ۲۰۲۱ هم ادامه داشت. هم‌اکنون این مانگا بعد از اتمام خود، با ۱۳۹ قسمت در ۳۴ جلد جمع‌آوری شده است. مانگای حمله به تایتان‌ها تا سال ۲۰۱۳ توانست ۲۸ میلیون نسخه فروش داشته باشد و همین نقطه عطفی بود برای شهرت داستان و نویسنده آن. هاجیمه ایسایاما توانست جایزه‌های بسیاری را از آن خود کند و تا مدت‌ها جلدهایی از این مانگا درصدر جدول پرفروش‌ترین مانگاها در کشورهای مختلف قرار گرفت. حمله به تایتان‌ها، یکی از اولین مانگاهای هاجیمه ایسایاما، جوان و تازه‌کار است که از بخت خوب او، باعث معروفیتش شد. انتقادات زیادی به نحوه طراحی و داستان‌پردازی او مطرح بود که او همه آنها را محترم دانسته و خود نیز به اشکالاتش اقرار کرده است. کارگردان سری اول این مجموعه تتسورو آراکی، کارگردان سری دوم و سوم ماساشی کویزوکا و کارگردان سری چهار آن یوئیچیرو هایاشی بودند؛ اما واقعیت این است که نقش کارگردان در ساخت این مجموعه‌ها کمترین نقش است و خالق و مولف اصلی کار، طراح مانگای آن و عامل موثر بعدی، کمپانی تولیدکننده است. این کارگردان‌ها هم هیچ‌کدام تا به حال شخصیت‌های هنری معروفی در رده بعضی از کارگردانان معروف انیمیشن ژاپنی نبوده‌اند و بیشتر تکنسین هستند تا اینکه نقشی تالیفی در کار داشته باشند. این مجموعه از حواشی فراتر از دنیای سرگرمی هم به‌دور نبود. بعد از شهرت داستان حمله به تایتان‌ها، یک سری شایعات مبنی بر اینکه این انیمه برای حمایت از سیاست‌های شینزو آبه است، شکل گرفت. اعترافات خود هاجیمه ایسایاما نیز بر این شایعات دامنه زد. او گفته بود شخصیت «دات پیکسیس» از روی یکی از سیاستمداران و فرماندهان جنگی ژاپن برگرفته شده است که مخالفت بسیاری را برانگیخت و باعث تهدید و فحاشی مخاطبان به او شد. یکی دیگر از ویژگی‌های داستان حمله به تایتان، استفاده ماهرانه هاجیمه ایسایاما از نشانه‌های مختلف است. به‌عنوان مثال مفاهیم یهودیت و عهد عتیق؛ (مثلا جایی که شخصیت یمیر از شیطان کمک گرفت) همچنین یک مورد دیگر شباهت عجیب مواردی در داستان به فرهنگ آلمانی است؛ از اسامی آلمانی گرفته تا لباس‌های مردم کشور مارلی که شبیه لباس لشکریان هیتلر و آلمان نازی به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال بازوبندی که حتی در پوستر فصل چهارم نیز مشهود است، شبیه بازوبند رایش سوم دوره آلمان نازی است و بسیاری موارد مثل مدل موی آلمانی مردم جزیره جای بررسی دارند. به‌عنوان مثالی دیگر، از کتاب‌های معروفی همچون کمدی الهی نوشته دانته، بسیار زیرکانه استفاده شده است. فهم و درک بعضی از این زیرکی‌ها نیازمند مطالعه بسیار گسترده در زمینه نشانه‌شناسی و ادبیات است که البته نشان‌دهنده مطالعات بالای نویسندگان ژاپنی و زیرکی آنهاست. البته شاید این اشاره‌ها به کشور آلمان، به‌نوعی با بازاریابی مجموعه مرتبط باشد؛ چه اینکه این مجموعه در آلمان هواداران زیادی بین نوجوان‌ها دارد. مائویاما اوکی، نویسنده‌ای که در مانگا نیز تبحر دارد، دیدگاه مثبتی به قصه تایتان‌ها دارد و با توجه به اینکه مخاطب اصلی این داستان نوجوان‌ها هستند، سال ۲۰۱۳ راجع به آن در تحلیلی گفت: «خیلی‌ها این مانگا را به‌عنوان نمایانگر ناامیدی جوانان در جامعه امروز تجزیه و تحلیل کرده‌اند. نوجوانانی که جامعه اطراف خود را به‌مثابه یک دیوار می‌بینند» ظاهرا این تحلیل فقط در مورد نوجوانان ژاپنی صدق نمی‌کند و بسیاری از افراد در این سنین در نقاط مختلف جهان شامل می‌شود. به هر حال ساخت انیمه حمله به تایتان‌ها تا فصل سوم این مجموعه به عهده استودیو ویت (WIT) و کارگردانی تتسورو آراکی بود. استودیو ویت دیگر مسئولیت ساخت این انیمه را به دلیل سنگینی پروژه قبول نکرد. بعد از اتمام پخش فصل سوم، استودیو ماپا (MAPPA) و دو کارگردان جدید، ساخت فصل چهارم این انیمه را بر عهده گرفتند که این اتفاق با بازخوردهای بسیار زیادی همراه بود. کیفیت بصری انیمه دچار تغییرات زیادی شده بود و بعضی از مخاطبان از این قضیه ناراحت شده بودند. پس از شروع پخش انیمه، محبوبیت این داستان به‌شدت افزایش یافت که البته با نقدهای بسیاری هم همراه بود. اولین قسمت انیمه حمله به تایتان‌ها در سال ۲۰۱۳ پخش شد و نیمه دوم فصل آخر آن نیز در زمستان سال ۲۰۲۲ شروع به پخش خواهد کرد. درواقع پخش کامل فصل آخر این انیمه به دلیل شیوع ویروس کرونا به تعویق افتاد و به دو نیمه تقسیم شد. انیمه حمله به تایتان‌ها با استقبالی که مخاطبان از آن داشتند، به یکی از ۲۵۰ سریال برتر دنیا با رتبه چهلم تبدیل شد.

به هم خوردن یک آرامش قبرستانی

۱۰۷ سال پیش از شروع داستان، ظهور غول‌هایی با ظاهر انسان که آنها را تایتان می‌نامند، بشریت را وادار به ادامه زندگی درون دیوارهایی بلند کرد. این دیوارها که به صورت سه دایره هم‌مرکز هستند به ترتیب از بیرون به داخل با نام‌های دیوار ماریا، دیوار رز و دیوار سینا شناخته می‌شوند. صد سال است انسان‌ها درون این دیوارها با آرامش زندگی کرده‌اند تا اینکه روزی تایتانی با ارتفاع ۶۰ متر (۱۰ متر بلندتر از ارتفاع دیوار ماریا) ظاهر می‌شود و زندگی مردم داخل دیوار را به هم می‌ریزد...

فضای پساآخرالزمانی

تصور کنید بشریت، داخل دیوار بسیار بزرگی به ارتفاع حداقل ۵۰ متر از ترس خورده شدن توسط تایتان‌ها زندگی می‌کنند. بشریت در منطقه‌ای، داخل سه دیوار که به ترتیب دیوار ماریا، دیوار رز و دیوار سینا (که داخلی‌ترین دیوار است) زندگی می‌کنند. هیچ اطلاعاتی از حیات خارج از دیوارها وجود ندارد و زندگی به داخل همین دیوارها محدود شده است. تاریخی که در ذهن بشریت وجود دارد، بیشتر از صدسال گذشته را در برنمی‌گیرد. بنابراین کسی نمی‌داند قبل از صدسال گذشته، داخل دیوارها چه گذشته است؟ چه کسی دیوارهای به این بزرگی به وجود آورده است؟ آیا حیات بیرون از این دیوارها وجود دارد؟ چرا حیات به داخل این دیوارها محدود شده است؟ و انواع سوالاتی که بیننده را با خود همراه می‌کند.

تایتان‌ها چه نوع موجوداتی هستند؟

تایتان‌ها موجوداتی بسیار شبیه به انسان، اما در ابعاد بزرگ‌تر هستند. از سه متر ارتفاع گرفته تا حدود ۶۰ متر، تایتان‌ها در قد و قواره‌های مختلف مشاهده شده‌اند. تایتان‌ها به هیچ موجود دیگری واکنش نشان نداده و تمایل عجیبی به خوردن انسان دارند. طبق شواهد، مشخص نیست تولیدمثل این موجودات به چه نحوی صورت می‌گیرد. هیچ اطلاعاتی از اینکه چرا تایتان‌ها این ویژگی‌ها را دارند در دسترس نیست و به همین علت، مردم داخل دیوار تصمیم گرفتند تا از راز تایتان‌ها سر در بیاورند.

واحد شناسایی به چه علتی تشکیل شد؟

واحد شناسایی که با نام مستعار «امید بشریت» هم شناخته می‌شود، شاخه‌ای از نیروی نظامی داخل دیوارهاست. نیروی نظامی داخل دیوارها از سه شاخه واحد شناسایی، شاخه پلیس نظامی و شاخه گریسون (پادگان) که هرکدام وظایف خاصی را برعهده دارند تشکیل شده است. واحد شناسایی وظیفه گسترش محیط زندگی بشریت و شناخت محیط خارج از دیوارها و همچنین تحقیق راجع به تایتان‌ها را برعهده دارد. افراد این واحد، به دلیل رویارویی مستقیم با تایتان‌ها، خطرناک‌ترین شرایط ممکن را دارند. همچنین حرفه‌ای‌ترین واحد در استفاده از ابزار مانور سه‌بعدی برای مبارزه با تایتان‌ها نیز همین واحد است.

ادامه در صفحه ۱۳

چارسو

تجلیل از تارانتینو و تیم برتون در جشنواره فیلم رم

جشنواره فیلم رم ۲۰۲۱ با اهدای جایزه یک عمر دستاورد هنری به کوئنتین تارانتینو از این کارگردان آمریکایی تجلیل می‌کند. تارانتینو که سال ۲۰۱۲ با ساخت «جانگوی از بند رها شده» به وسترن اسپاگتی ایتالیایی ادای احترام کرده بود، در این باره گفت: «دوره‌ای از زندگی‌ام بود که همه فیلم‌های ایتالیایی را تماشا می‌کردم و بخش بهتر دوران حرفه‌ای‌ام را صرف ساخت فیلم‌هایی از همین نوع کردم؛ به همین دلیل دریافت جایزه یک عمر دستاورد هنری از جشنواره فیلم رم از نظرم عالی است. این کارگردان قرار است در جشنواره فیلم رم که از ۱۴ تا ۲۴ اکتبر (۲۲ مهر تا دوم آبان) برگزار می‌شود حضور یابد و در بخش «مواجهه نزدیک» به پرسش‌های مخاطبان ایتالیایی خود پاسخ دهد. شانزدهمین دوره این جشنواره همچنین به تجلیل تیم برتون کارگردان فیلم‌هایی چون «ادوارد دست‌قیچی» و «بتمن» می‌پردازد و یک جایزه دستاورد هنری نیز به وی اهدا می‌کند. رم از برتون به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین فیلمسازان صنعت فیلم آمریکا یاد کرد که دنیای تصویری متفاوتی را بر پرده‌های نقره‌ای می‌آورد. مانند تارانتینو، برتون نیز راهی ایتالیا خواهد شد تا در این رویداد شرکت کند.» وی نیز از دریافت این جایزه به‌عنوان چیزی بسیار ویژه یاد کرد و گفت: «فلینی، ماریو باوا، داریو آرجنتو همه الهام‌بخش من در زندگی‌ام بوده‌اند و دریافت این جایزه در شهر رم، جایی که عاشقش هستم، شهری که در آن حس می‌کنی داری شروع به ساخت فیلم زندگی خودت می‌کنی، بسیار احساس‌برانگیز است.» در این دوره جشنواره رم همچنین یاد آرتور پن کارگردان سازنده فیلم‌هایی چون «بانی و کلاید» و «معجزه‌گر» گرامی داشته می‌شود و درعین‌حال جلسه پرسش و پاسخی با زادی اسمیت نویسنده سرشناس بریتانیایی برگزار می‌شود. جشنواره رم برنامه این دوره و معرفی فیلم‌های منتخبش را ۶ اکتبر (۱۴ مهر) انجام می‌دهد.

تلاش برای بازگشت چرخه اکران به روال سابق

علی سرتیپی، رئیس انجمن صنفی پخش‌کنندگان سینمای ایران در گفت‌وگو با مهر درباره وضعیت اکران و مشکلاتی که شرکت‌های پخش این روزها درگیر آن هستند، گفت: «انجمن پخش‌کنندگان تمام تلاش خود را می‌کند تا بتواند با توجه به اینکه شرایط اکران درحال بهبود است، کاری کند فیلم‌های جدید و پرمخاطب در سینماها اکران شود، درواقع تمام تلاش ما این است که بتوانیم چند فیلم جدید که در جذب مخاطب موفق باشد را اکران کنیم. در واقع باید شرایطی فراهم شود تا تهیه‌کنندگان سینما راضی به اکران آثار خود شوند، به همین دلیل باید کمک مالی و گارانتی اکران مورد توجه قرار گیرد که البته در این زمینه قدم‌هایی نیز برداشته شده است که طی یک هفته آینده این اقدامات عملی می‌شود. همچنین با سینماداران و مسئولان ارشاد جلساتی داشته‌ایم که شرایط بهتری را برای اکران فیلم‌ها فراهم کنیم.» وی درباره حمایت دولت از شرکت‌های پخش بیان کرد: «متاسفانه طی این مدت که سینما و اکران دچار معضل کرونا شده، دولت هیچ حمایتی از دفاتر پخش نکرده است، در واقع دوستان چندان به دفاتر پخش که رکن اصلی و پل ارتباطی بین تهیه‌کننده و سینماداران است، توجه نکرده‌اند. مهم‌ترین مساله این است که بتوانیم فیلم‌های خوب را در سینماها اکران کنیم، فکر می‌کنم با کمک و حمایت از فیلم‌های خوب، شرایط مناسبی را برای اکران فراهم کنیم. البته با توجه به برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده فکر می‌کنم اکران طی ۲ ماه آینده به روند سابق بازگردد. درحال حاضر شرایطی وجود دارد که باید درصد ریسک اکران فیلم‌ها کم شود، یعنی باید تا می‌توانیم به تهیه‌کنندگان فیلم‌ها کمک کنیم تا شرایط مناسبی برای اکران را فراهم کنیم. با توجه به شرایطی که طی یک سال و نیم گذشته سینمای ایران پشت‌سر گذاشته است باید اعتماد دوباره به‌وجود آید و تا زمانی که این اعتماد ایجاد نشود کسی حاضر نمی‌شود فیلم خود را در سینماها اکران کند. به همین دلیل باید شرایط مناسب فراهم شود و ما دنبال آن هستیم تا این شرایط مناسب فراهم شود. خوشبختانه دولت در زمینه اکران قدم‌هایی برداشته است که می‌تواند به ایجاد اعتماد تهیه‌کنندگان و اکران فیلم‌ها کمک کند.»

ادامه از صفحه ۱۲

داستان از کجا شروع شد؟(اسپویل)

در صبح یکی از روزهای معمولی، یک تایتان غیرعادی که ارتفاعی بیشتر از ارتفاع دیوار ماریا داشت، ظاهر شد. این تایتان غول‌آسا توانست به راحتی با یک ضربه پا، سوراخ بزرگی در پایین دیوار ماریا (که خارجی‌ترین دیوار است) ایجاد کند. همین کار باعث وارد آمدن صدمات بسیار زیادی به مردم ناحیه شیگانشینا (که در آن نقطه زندگی می‌کردند) شد. همچنین امکان ورود دیگر تایتان‌ها را به داخل دیوارها فراهم آورد که منجر به سقوط دیوار ماریا و خالی شدن آن از سکنه شد. هرچند واحد گریسون که وظیفه محافظت و برقراری نظم در داخل دیوارها را برعهده دارد وارد عمل شد، اما به دلیل نداشتن تجربه و غافلگیری، این واحد هم نتوانست کار خاصی از پیش ببرد. در نتیجه خسارت‌های زیادی توسط تایتان‌ها به آن نقطه وارد شد. لازم به ذکر است در این حمله توسط تایتان‌ها، واحد شناسایی در منطقه بیرون از دیوارها مشغول تحقیق راجع به تایتان‌ها بودند.

یکی از خسارت‌دیدگان آن روز، پسر کوچکی به نام «ارن یگر» بود که مادرش جلوی چشمانش توسط یک تایتان خورده شد. (به‌معنای واقعی تکه‌تکه شدن، یعنی اوج مقدار خشونتی که می‌توان در قسمت اول یک سریال دید) صحنه‌ای که قلب هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد. مخصوصا با آن داد و فریادهای وحشتناک و احساس‌برانگیز ارن یگر که توسط صداگذار حرفه‌ای یوکی کاجی ایفای نقش شده است. در این نقطه بود که ارن یگر، شخصیت اصلی داستان، نفرتی بی‌حد و حصر نسبت به تایتان‌ها و اشتیاقی غیرقابل وصف برای کشتن آنها پیدا کرد. همین سکانس باعث می‌شود مخاطب به تماشای ادامه سریال نیز اشتیاق پیدا کند. این واقعه، باعث شد ارن به همراه دوستانش یعنی آرمین و میکاسا به واحد شناسایی بپیوندند. واحدی که ارن و دوستانش همیشه علاقه‌مند به آن بودند. از این طریق ارن می‌توانست حس انتقام و تنفر خود را از تایتان‌ها ارضا کند. واقعه دیگری مشابه همین واقعه، پنج سال بعد اما در دیوار رز (یعنی دومین دیوار) رخ داد که با تلاش‌های ارن یگر و فداکاری دیگران، این دیوار از سقوط نجات پیدا کرد.

ادامه داستان، شامل پیدا کردن جاسوس‌هایی است که دشمن مردم داخل دیوار هستند. تشخیص وجود این جاسوس‌ها، توسط فرمانده واحد شناسایی یعنی اروین اسمیت صورت گرفت. جنگ‌ها و مبارزات دیگری در فصل سوم رخ داد که روی آینده داستان بسیار تاثیرگذار بودند. فصل چهارم انیمه، فصلی است که ورق به نفع مردم داخل دیوار برمی‌گردد و حالا مردم داخل دیوار هستند که دست برتر را دارند. نیمه اول فصل چهارم، فصل شگفتی‌آوری بود که مخاطب را گاهی در شوک و گاهی هم در هیجان فرو می‌برد. نیمه دوم فصل چهارم نیز، طبق مانگا، قرار است شگفت‌انگیزتر از همیشه باشد و مخاطبان را در تعجب واگذارد. ورق برمی‌گردد: در فصل آخر، ما با تغییرات بزرگی روبه‌رو هستیم. بعد از اتفاقات فصل سوم و شکست دشمن، جزیره پارادایس قدرت بازدارندگی قابل توجهی برای خود به دست می‌آورد. همین باعث می‌شود تا اهالی جزیره یعنی حکومت الدیا بتوانند برای خود وقت بخرند و ورق را به نفع خود برگردانند. حالا جزیره‌ای که روی کاغذ برای دیگر کشورها ترسناک بود، واقعا ترسناک می‌شود. مردمان داخل جزیره حالا در دنیای خارج از دیوارها یعنی جزیره پارادایس ساکن هستند و حتی کشورهای دیگر مخصوصا دشمن اصلی خود یعنی کشور مارلی را می‌شناسند و شرایط را تحت کنترل دارند. آنها به لطف خانواده یگر، حالا دارای اطلاعات کاملی نسبت به سرگذشت خود و تاریخچه تایتان‌ها و حکومت الدیا هستند.

進撃の巨人
attack on titan
Season 3

劇場版
進撃の巨人
attack on titan
[後編] 自由の翼

مروری بر کیفیت و محتوای چهار فصل از حمله به تایتان‌ها

خشن و عمیق!

رسما تا آخر فصل سوم، هیچ خبری از محتوا نبود. اتفاقاتی خاص برای مخاطب، یک سری نکات ریز به همراه دیالوگ‌های جذاب، همچنین یک سری تکنیک‌های داستان‌نویسی، انیمیشن‌سازی و حتی موسیقایی باعث شده بود مخاطبان زیادی به سمت این انیمه گرایش پیدا کنند. اکثر رویدادها کلیشه‌ای بودند، مثل پیدا شدن خائن در میان خودی‌ها. اما تفاوت دنیای داستان با دنیای بقیه داستان‌ها، این اتفاقات را جذاب‌تر کرده بود، وگرنه رویدادها، تفاوت آنچنانی با دیگر داستان‌ها نداشتند. در بقیه داستان‌ها نیز خائن وجود دارد و قدرت‌هایی خبیث که در مقابل شخصیت اصلی داستان قرار دارند؛ اما دو عامل باعث شده بود این داستان جذابیتی بسیار بیشتر از بقیه انیمه‌ها و داستان‌ها داشته باشد. یکی معمایی که در طول داستان درحال حل و فصل شدن است و مخاطب را مجاب می‌کند تا پیگیر داستان باشد؛ و دیگری خشونتی که الحق و والانصاف علاوه بر ترسناک بودن، جذابیت خاصی را برای مخاطب ایجاد می‌کند. جذابیتی بر پایه ترس و خشونت که خود مخاطب کاملا با اراده خود به سمت آن می‌رود. بعضی جاها نیز برای کش دادن داستان و پر کردن جاهای خالی آن، هاجیمه ایسایاما به خشونت و ترس متوسل می‌شد. مرگ برخی از شخصیت‌های مهم و تاثیرگذار داستان در فصل سوم نیز، باعث تغییرات زیادی در داستان شده بود. به‌طوری که طرفداران انیمه، فرضیه‌ها و نظریات مختلفی را مبنی بر اینکه «اگر فلان شخصیت زنده می‌ماند، روند داستان چه تغییری می‌کرد؟» مطرح کردند. یکی از ویژگی‌های داستان حمله به تایتان‌ها، تاثیرگذاری شخصیت‌های فرعی انیمه است که گاه بیشتر از شخصیت‌های اصلی نمود پیدا می‌کنند. همین مساله باعث جذابیت بیشتر شخصیت‌های فرعی نسبت به شخصیت‌های اصلی شده است. اکثر اوقات شخصیت‌های فرعی هستند که داستان را پیش می‌برند و علنا شخصیت‌های اصلی منفعل هستند و همین باعث جذابیت آنهاست؛ همانند فرمانده لیوای آکرمن یا فرمانده اروین اسمیت. در فصل چهارم روند داستان عوض می‌شود. شخصیت‌های اصلی بروز پیدا می‌کنند و شخصیت‌های فرعی به کنار می‌روند. حالا دیگر مدیریت داستان و قدرت در دستان شخصیت اصلی قرار گرفته است. اعمال خودخواهانه و بدون هماهنگی قبلی شخصیت اصلی، باعث بروز اتفاقات مختلفی می‌شود. سیاستگذاری کشورهای بیگانه تغییر می‌کند و شرایط خطرناک‌تر می‌شود. در داخل جزیره جنگ داخلی میان سران قوا درگرفته و هرکس نظر خود را درست می‌داند. از مواردی که ما در تمام طول انیمه شاهد آن هستیم، به تصویر کشیدن از دست دادن عزیزان در جنگ است. بسیار پیش آمده که از فصل اول تا سوم، ما شاهد مرگ‌ها و از دست‌دادن‌های بسیار دردناک هستیم که با گریه و سوز بازماندگان، مخاطب نیز دچار واکنش‌های احساسی (گاه شدید) می‌شود. حس یأس به‌طرز قدرتمند و تاثیرگذاری به مخاطب القا می‌شود. در آخر فصل سوم و شروع فصل چهارم، این احساس یاس به امید تبدیل می‌شود و بعد از وقوع جنگ داخلی نیز سرنوشت داستان غیرقابل پیش‌بینی می‌شود.

شجره‌نامه یک قصه پساآخرالزمانی

ارن یگر

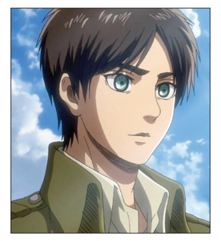

شخصیت اصلی داستان، پسری که در قسمت اول داستان بزرگ‌ترین صدمه زندگی خود را دید. نفرت و حس انتقام پس از آن، جلوبرنده ارن بود. از ویژگی‌های رفتاری او می‌توان به عصبی بودن، تسلیم‌ناپذیری درعین ناامیدی، داد و بیدادکردن در هنگامی که کاری از دستش برنمی‌آید، اشاره کرد. در طول انیمه، شاهد رشد صعودی او هستیم و در فصل چهارم، ارن کنترل داستان را به‌دست می‌گیرد و به آخرین مرحله از رشد شخصیتی خود می‌رسد. یکی از ویژگی‌های ارن رو هم علاقه و اشتیاق عجیب او به آزادی است که حتی با قدرت تایتانی‌اش و اسم تایتانش همخوانی دارد. صداگذاری این شخصیت را «یوکی کاجی» با مهارت هرچه تمام‌تر انجام داده است. بخش بزرگی از انتقال احساسات ارن را، مدیون این صداپیشه هستیم.

لیوای آکرمن

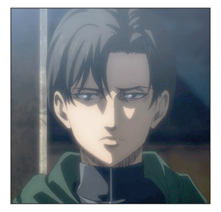

فرمانده لیوای محبوب‌ترین شخصیت انیمه حمله به تایتان‌ها و یکی از شخصیت‌های فرعی داستان است. با وجود فرعی بودن او، اگر در داستان نبود و در لحظات حساس مانند یک قهرمان حضور پیدا نمی‌کرد، داستان سال‌ها پیش به اتمام رسیده بود. اخلاقیات خاص او نیز باعث جذابیت بیشتر او شده‌اند. وسواس در تمیزکاری، کم‌حرفی و قدرت و مهارت عجیب، از ویژگی‌های بارز فرمانده لیوای هستند. همچنین اتفاقات غم‌انگیزی که در زندگی او رخ داده بود نیز یکی دیگر از عوامل محبوبیت او به‌شمار می‌آیند. صداگذاری این شخصیت را «هیروشی کامیا» با آن صدای جدی و شخصیتی همراستا با شخصیت فرمانده لیوای به‌خوبی انجام داده است.

اروین اسمیت

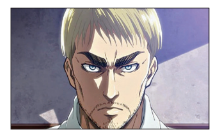

به‌جرأت می‌توان گفت افسانه‌ای‌ترین رهبری که می‌توان در تاریخ انیمه‌ها پیدا کرد. فرمانده‌ای که در تصمیمات خود راسخ و منسجم است. کسی که تردید نمی‌کند و از مرگ خود و سربازانش ترسی ندارد. کسی که قبول کرده نقش شیطان را بازی کند و روی کوهی از اجساد دوستان خود بایستد تا بتواند بشریت را حتی یک قدم به حقیقت نزدیک کند. صداپیشه این شخصیت را، دایسوکه اونو با آن صدای خاص و بی‌روح خود به‌عهده داشت.

کوتاه درباره هاجیمه ایسایاما، نویسنده مجموعه

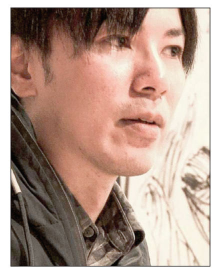

هاجیمه ایسایاما، متولد ۱۹۸۶ بعد از اتمام دبیرستان در رشته طراحی ثبت‌نام کرد. بعد از اتمام درس به توکیو رفت و شروع به طراحی مانگاهایش کرد. در سال ۲۰۰۶ طرح‌هایش را با نام حمله به تایتان‌ها به مجله‌ای تحت نظر انتشارات کودانشا فرستاد و جایزه بهترین طراحی را برد. بعد از انتشار اولین قسمت از مانگا و پخش اولین قسمت انیمه، معروفیت او نیز شروع شد. با اینکه جذاب‌ترین داستان را نوشته بود، اما بعد از انتشار آخرین قسمت از مانگای حمله به تایتان، نارضایتی مخاطبان از نحوه پایان‌بندی او باعث سروصدای زیادی شد. خود او هم اقرار کرد که از پایان داستانش راضی نیست و ممکن است تغییراتی در داستان به‌وجود بیاورد. با اینکه داستانش به معروفیت زیادی رسید، اما خودش نتوانست بر روی طناب داستان‌نویسی به‌خوبی بندبازی کند و در آخرین لحظه، داستانش را خراب کرد.

یادداشت

هنر اسلامی؛ گذرگاه‌های تاریخ از دیروز هنوز تا امروز هجری و میلادی

فرزین کریمی
استاد تاریخ هنر

همگام با هنگامه حرکت اسب‌های چابک مسلمانان به جغرافیای آسیا، اروپا و آفریقا، افزون بر بیرق فتوحات در سه قاره، هویتی تمدّنی و زیبایی‌شناختی و هنری نیز لاجرم در این عرصه و زمین بازی جابه‌جا می‌شود.

هنری مبتنی بر اصولی منحصربه‌فرد و خاص بر حول محور معجزه پیامبر مسلمانان، قرآن، که خط در آن جایگاهی همچون مرکز پرگار دارد، در نقطه مقابل هنر مسیحی شمایل‌گرا.

دورتر از دالان‌های پرحاشیه و تاریک لابی رانت قدرت، در ژرفای اندیشه سلطان سلیم و شاه‌اسماعیل، در زیر آسمان قاهره مزیّن به هنر فاطمی تا مسجد حسن ثانی در کازابلانکا، از سانتاصوفیای ایاصوفیه‌شده تا درخشش الحمراء، هر جا که کاویده شود، مسلمانی نقوشی را بر پیکره هنر تراش داده و هستند خاندان‌هایی از دیروز هنوز تا امروز هجری و میلادی در نصف جهان زیست می‌کنند که چهار سده است بر بستر کاشی‌ها، قدرت نرم هدیه می‌دهند و این راه را تا پایتخت سرخ شیعه، کربلا نیز درنوردیده‌اند.

میرعماد باید که تاج سروری بر سر گذارد در کنار امامی‌ها، عباسی‌ها، هروی‌ها، جوهری‌ها و چلبی‌ها.

هنر اسلامی هنوز هم خلق می‌شود، تازه‌ترین نمونه‌اش مسجد تکسیم استانبول در شعاع هویّتی سکولار، نزدیک‌تر از همیشه به تندیس آتاتورک و یاران، تا هنر و دوران‌ها شانه‌به‌شانه بایستند اما نه چشم در چشم، اینجا تا برج گالاتا و گالری‌های مدرن در کوچه پس کوچه محله پرا راهی نیست و تاریخ در رفت‌وآمد است مثل آن تراموای قرمزرنگ، آریَ همیشه راهی هست به سوی آفرینش زیبایی، فارغ از دعواهای سیاسی مثل نبرد دیپلماتیک دوباره گشودن ایاصوفیه برای نمازگزاران میان ترکیه و یونان.

هنرمند عرقش را از روی پیشانی پاک می‌کند و خود را میراث‌دار می‌داند؛ چه در استانبول یونانی، رومی، هلنی و اسلامی، چه در اصفهان شیعی، چه در مسجد قُل شریف کازان گذرکرده از کمونیسم پساتزاری، چه در سیسیل مسیحی اسلامی و یا آندلس که رویای دریانوردان آینده اسپانیولی را می‌بینند که برای سده‌های متمادی بعد از افول پرچم سبز، بیرق سرخ و زرد را بر فراز کشتی‌ها به اهتزاز درآورده‌اند.

به‌یاد بیاوریم در عصر هم‌زمانی عثمانی صفوی، نقاشان چگونه مینیاتورهای پرسحر را به هزینه کم‌سو شدن دیدگان خلق کرده‌اند و در جغرافیایی به عرض هرات تا اسلامبول آن دوران، رخ‌به‌رخ پرسپکتیو و پرتره‌های ونیزی، درخشیده‌اند و حسرت را نصیب شیشه‌گران مورانو کرده‌اند.

به یاد می‌آوریم آن زمان که هنوز مفاهیمی چون دولت ملّت‌ها تراش نخورده بودند، شاهدمثال آن در قرن شانزده میلادی به میانه حکمرانی گورکانیان، شیبانیان، صفویان و عثمانیان، از شبه‌قارّه هند تا آسیای میانه و خاورمیانه تا بالکان، فقط چکاچک شمشیرها نبوده، که میراثی ناملموس نیز، زاده می‌شده و در ضمیر ناخودآگاه نسل‌های هنوز نیامده مانند سفره‌های آب زیرزمینی، سپرده تاریخ می‌شده تا روزگارانی سواری در هنر بیاید و پرچم‌دار زیبایی شود تا ما نیز سهم خود را در آفرینش به تاریخ پرداخت کنیم.

ندایی می‌آید؛
از مسجدالاقصی رو به کعبه نماز به جای آور.

در چرخش سمبلیک کالبد، هر سو که بوده‌ایم، با ما زیبایی زیست کرده، مفتخریم و وام‌دار و تقدیم‌کننده میراثی بدون ادعا به مالکیت آن که میهمانیم در این سفر و میزبان اوست که حس می‌شود؛ اما دیده نه.

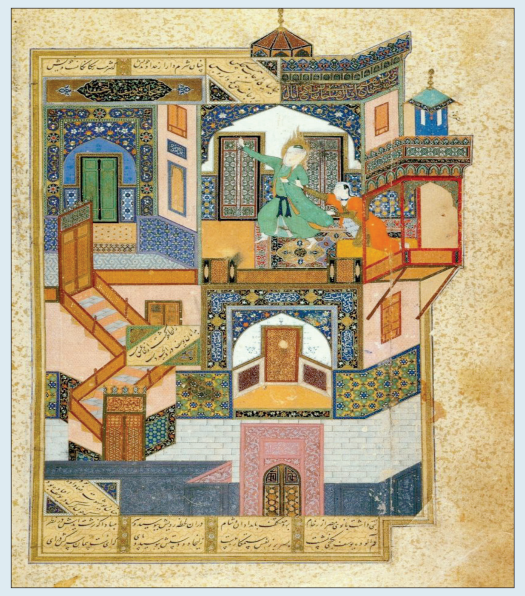

سازمان توزیع روزنامه
فرهیختگان
@Department of Distribution
تلفکس: ۱۲-۶۶۳۴۰۰۱۱ (۰۲۱)

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در نظر دارد آهن‌آلات ساختمانی و لوازم اسقاطی موجود در محوطه ساختمان جمالزاده واقع در خیابان جمالزاده شمالی-نبش کوچه خسرو به اشخاص و شرکت‌های واجد شرایط از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. **شرایط مزایده**: ۱-واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال بابت خرید اسناد مزایده به حساب شماره ۰۱۰۳۷۸۸۸۵۸۰۰۵ بانک ملی شعبه سپند به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. ۲-پیشنهاد واصل شده لزوماً می‌بایست در دو پاکت جداگانه که (الف) حاوی مدارک مربوط به صلاحیت پیشنهاددهنده و همچنین ضمانت‌نامه، (ب) حاوی قیمت پیشنهادی باشد و در صورت نقص مدارک لازم در پاکت (الف) از بازگشایی پاکت (ب) خودداری خواهد شد. ۳-مدت‌زمان دریافت اسناد مزایده، واریز وجه و تحویل اسناد تکمیل شده و پیشنهاد قیمت در پاکات دربسته و مهر و موم‌شده از تاریخ چاپ این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری می‌باشد. ضمنا به پیشنهادات مخدوش، مبهم و فاقد سپرده بانکی ترتیب اثر داده نمی‌شود. ۴-ساعات بازدید از مرکز جمالزاده از روز شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸/- صبح لغایت ۱۴/- می‌باشد. ۵-سپرده نفرات دوم و سوم تا زمان انعقاد قرارداد با نفر اول، با رعایت مقررات مربوط به مزایده و مناقصات دانشگاه عودت نخواهد شد. چنانچه برنده مزایده حاضر به انعقاد قرارداد نشود سپرده او به نفع دانشگاه ضبط خواهد گردید. ۶-محل دریافت اسناد مزایده: خیابان کریم‌خان‌زند، خیابان ایرانشهر شمالی، خیابان آذرشهر، پلاک ۳۳، طبقه پنجم، دفتر خدمات عمومی می‌باشد. ۷-پاکت مهروموم‌شده حاوی مدارک را پس از تکمیل نمودن به آدرس: تهران-خیابان کریم‌خان‌زند-خیابان ایرانشهر شمالی-نبش خیابان آذرشهر-پلاک ۲۳۳-طبقه هشتم دبیرخانه محرمانه اداره کل حراست دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب تحویل و رسید دریافت نمایند. ۸-مبلغ سپرده شرکت در مزایده ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال (پنجاه میلیون تومان) بوده که به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز به صورت وجه نقد به حساب شماره ۰۱۰۳۷۸۸۸۵۸۰۰۵ نزد بانک ملی شعبه سپند به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به ضمیمه پیشنهاد باید تسلیم گردد. ۹-دانشگاه در رد یا انتخاب هر یک از پیشنهادات اختیار تام داشته و هزینه آگهی در دو روزنامه بر عهده برنده مزایده می‌باشد. ضمنا شرکت در مزایده و پیشنهاد دادن به منزله قبول اختیارات و تکالیف موضوع قرارداد دانشگاه خواهد بود. ۱۰-بازگشایی پاکات یک ماه پس از اتمام دریافت اسناد مزایده انجام خواهد شد.

تلفن تماس: ۸۸۸۴۰۶۰۷-۸۳۸۴۳۴۲۹

نوبت اول

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان در نظر دارد تعداد ۴۵ رول پلاستیکی را به وزن ۴۲ کیلوگرم، با قیمت پایه هر کیلو ۱۶۰,۰۰۰ ریال را از طریق مزایده عمومی و به شرح مندرج در سند مزایده به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان شرکت در مزایده می‌توانند با واریز و ارائه فیش بانکی به مبلغ ۴۰۰,۰۰۰ ریال بدون استرداد وجه جهت خرید اسناد و مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان سپرده شرکت در مزایده (به صورت جداگانه) به حساب ۰۱۰۵۶۹۲۷۰۷۰۰۱ نزد بانک ملی به نام دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان اقدام نمایند و به مدت ۱۰ روز کاری از تاریخ درج آگهی جهت دریافت و عودت اسناد مزایده به حوزه توسعه مدیریت و منابع واحد دانشگاهی مراجعه نمایند. ضمنا هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات و انعقاد قرارداد مختار و ارائه بیشترین پیشنهاد ملاک عمل جهت انتخاب برنده نبوده و بنا بر صرفه و صلاح دانشگاه اقدام خواهد شد و کلیه پیشنهادات مبهم و مشروط مردود خواهد بود. شرکت در مزایده و دادن پیشنهادات به منزله قبول اختیارات و تکالیف دستگاه مزایده‌گذار است. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۱۵۳۷۲۹۱۹۸ تماس حاصل فرمایید. آدرس: شادگان جاده کمربندی، روبه‌روی فرمانداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان، حوزه توسعه مدیریت و منابع

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان